

مهاجرت زنان تحصیلکرده به شهرها

19 دی 1401

مهاجرت زنان تحصیلکرده به شهرها

مهاجرت امری عمومی در جهان امروز شده است؛ بسیاری از شهروندان شهرهای بزرگ مهاجرانی هستند که از شهرهای کوچک و روستاها به دنبال زندگی تازه به شهرها و کلانشهرها روانه شده‌اند. این مهم مسائل متعددی را در بردارد که بخشی از آن در بستر هویت و بخشی دیگر در دامنه اقتصاد و... شکل گرفته است. در این نوشتار تلاش بر این است که مساله زنان مهاجر با توجه به انگیزه‌ها و ضرورت‌ها در بستر کلانشهرها با بهره‌گیری از ظرفیت مدیریت شهری بررسی شود.

اصولاً **مهاجرت** عبارت است از جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر به منظور کار یا زندگی. مهاجرت ترک سرزمین، خویشاوندان و دوستان و اقامت در محلی دیگر است و مهاجر کسی است که از جایی به جای دیگر برود یا از سرزمینی به سرزمین دیگر اسکان پیدا کند. براساس مطالعات صورت گرفته مردم معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد دورکننده‌ای مانند فقر، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند (عوامل دافعه). دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب‌کننده مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر و مسکن بهتر در مقصد مهاجرت باشد. در این رویکرد نظریه جاذبه و دافعه در مهاجرت شاید اصلی‌ترین مساله برای مهاجرت باشد.

امروزه یکی از مسائل مبتلا به جامعه مهاجر زنان مستقل و تحصیلکرده به ویژه کلانشهرهاست؛ زنانی که در جست‌وجوی فرصت‌های شغلی، استقلال مالی و اجتماعی و... به صورت فردی به شهرها می‌آیند تا آینده را رقم بزنند. این مهم جدا از زنانی است که در شهرهای بزرگ تحصیل کرده‌اند، دانشجو بوده‌اند و دیگر قصد بازگشت به شهر محل تولد و خانواده را ندارند. مهاجرت این زنان بستری برای بازخوانی نیازها، ضرورت‌ها و الزامات است که شاید این یادداشت بتواند پنجره‌هایی از این پدیده اجتماعی را در کلانشهرها باز کند. به نظر می‌رسد عوامل متعددی منجر به این تصمیم برای زنان شده است، اما شاید برجسته‌ترین آنها، محدودیت‌های ناشی از اشتغال، آزادی‌گزینی و دوری از محدودیت‌های شهرهای کوچک به همراه نیاز به استقلال مالی تصویری دیگر از مهاجرت را در شهرها ایجاد کرده که شاید بتوان آن را نام مهاجرت زنانه نامید!

این مهم امری تازه نیست، شاید بیش از یک دهه است که شهرهای بزرگ مأمی برای اشتغال و تغییر اجتماعی برای زنان شده است؛ آن‌گونه که بر اساس مطالعات دانشگاه تربیت مدرس در سال 93، در گذشته مهاجرت مردان بیشتر بوده ولی در سال‌های اخیر مهاجرت زنان نیز افزایش یافته است و پیش‌بینی شده که با توجه به موقعیت شغلی و تحصیلی در تهران این انتظار می‌رود که مهاجرت زنان در

آینده به تهران افزایش یابد. (1) در همین ارتباط برخی جامعه‌شناسان گفته‌اند حدود 50 درصد از مهاجران کل کشور در تهران زندگی می‌کنند. این نوع مهاجرت‌ها به خاطر فقر نیست؛ بلکه به علت نبود تعادل منطقه‌ای رخ می‌دهد. در حال حاضر، بیشتر مناطق کشور محروم و تعداد محدودی از استان‌های کشور تقریباً برخوردار هستند؛ بنابراین مردم مجبورند از کل کشور به این استان‌ها مراجعه کنند. با این وجود، ضرورتاً کسانی که مهاجرت می‌کنند، محروم نیستند و امکان دارد نخبگانی باشند. در جست‌وجوی کار و فرصت! که بخشی از آنان زنان هستند. (2) با این وجود زنان مهاجر به شهر و کلانشهرها از نوعی احساس اعتماد به نفس برخوردار هستند که فرصت‌های شغلی و توسعه فردی را برای آنها فراهم می‌کند.

به نظر می‌رسد الگوهای سنتی مهاجرت - که بیشتر مردگزين بوده و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت می‌کردند - در حال تغییر است و به تدریج نوعی الگوی زنانه شدن مهاجرت در ایران در حال تکوین است. در این تحقیق ظاهراً دو الگوی مهاجرتی برای زنان شناسایی شده است؛ یکی زنان مستقلی که از مهاجرت به عنوان یک استراتژی توسعه حرفه‌ای و فردی استفاده می‌کنند. این گروه از زنان مهاجر، تحصیل‌کرده و متخصصند و بیشتر آنها محل اقامت قبلی‌شان نقاط شهری و مقصد مهاجرت‌شان پایتخت و شهرهای بزرگ است. الگوی دیگر، زنان مهاجری هستند که از مهاجرت به عنوان یک استراتژی بقا استفاده می‌کنند. این گروه بیشتر به دلیل بیکاری، فوت همسر یا **طلاق** مهاجرت می‌کنند که اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای این گروه در برنامه‌ریزی‌های شهری امری الزامی و ضروری است. (3) در چنین شرایطی شهرها و کلانشهرها با پدیده زنان مجرد روبه‌رو هستند که به تنهایی زندگی می‌کنند و نیاز به مسکن و شرایط مساعد امنیتی و ایمنی دارند. بر اساس برخی یافته‌ها بیشتر زنانی که به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند به دلیل محدودیت منابع مالی مجبور به اقامت در محلات حاشیه‌ای شهرها هستند یا آنکه به صورت چند نفری واحد کوچکی را برای اقامت به دست می‌آورند! این مساله اکنون موضوعی است نوپدید که در کلانشهرها قابل مشاهده است. مدیریت شهری با ایجاد امکانات لازم برای این زنان می‌تواند بستری برای مشاوره و ایجاد ظرفیت‌های مورد نیاز برای همگرایی میان این زنان و فضای جدید فراهم کند.

سراهای محله می‌توانند با ایجاد دفاتر ارائه خدمات به زنان مهاجر به همراه ادارات کل زنان در شهرهای بزرگ که از سوی مدیریت شهری فعال هستند مراکزی را برای همراهی و کمک به این زنان ایجاد کنند تا پدیده مهاجرت زنان به کلانشهرها را به نوعی مورد توجه قرار دهند! کم‌توجهی به این مساله ضمن نادیده گرفتن گروه جدید مهاجران، بستری برای ناهمگونی میان نیازهای زنان در کلانشهرها و گروه‌های تازه‌وارد به آن را ایجاد می‌کند! بدین جهت مدیریت شهری با نگاهی دوباره به ساکنان شهرهای بزرگ باید راهکار حمایتی و مشاوره‌ای را جدی بگیرد! تا بتواند ظرفیت این شهرها را برای پذیرش و همراهی بیشتر کند! زنان مهاجر در شهر نیازهای متعددی نظیر کار، محل اسکان و تعامل با فضای جدید را در پیش‌رو دارند که این مهم در بستری از همگرایی شهر با آنها شکل می‌گیرد؛ بی‌توجهی به این مساله به صورت عارضه‌هایی شهرهای بزرگ را با دشواری روبه‌رو می‌کند و زنان مهاجر را دغدغه‌مند می‌سازد!

****زهرا نژاد بهرام**

<http://shabestan.ir/TextVersionDetail/366894-1>

2- <https://www.rokna.net/>

3-<http://ensani.ir/file/download/article/20160926143614-9626-65.pdf>